

دوتا ۳۲۸	کتاب مقدس / ۶۲
	رومیان ۷: ۱۴ - ۲۵
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه درس‌ها، دو معلم از رومیان ۷: ۱۴ - ۲۵ درس‌هایی را ارائه خواهند نمود. در رومیان ۷: ۱۴ - ۲۵ پولس چنین تعلیم می‌دهد که در وجود فرد مسیحی نبردی روحانی و اخلاقی در جریان است. فرد مسیحی به تعبیری دارای دو طبیعت است: یکی طبیعت گناه‌آلود، و دیگری طبیعت دارای تولد تازه. طبیعت گناه‌آلود فرد مسیحی طبیعت واقعی او نیست، ولی با این وجود نیرویی است که اغلب فرد مسیحی را اسیر خود می‌سازد. فرد مسیحی بارها و بارها مرتکب برخی گناهان می‌شود، اما آرزویش این است که از این گناهان آزاد شود. شریعت اخلاقی نمی‌تواند او را از قدرت و فساد گناه آزاد کند. پولس با استناد به تجربیات شخصی خودش، نشان می‌دهد که شریعت بکلی از مقدس ساختن انسان عاجز است. در نبرد درونی بین گناه و تقدس، هیچ قانون و شریعتی نمی‌تواند به فرد مسیحی کمک کند. تنها امید پیروزی در این نبرد بین طبیعت گناه‌آلود و طبیعت دارای تولد تازه، فیض خداوند ما عیسی مسیح است.

(S) قدم اول. بخوانید

اجازه دهید رومیان ۷: ۱۴ - ۲۵ را با هم مطالعه کنیم. اگر دو یا سه نفر هستید، هر یک به نوبت یک آیه را بخوانید تا تمام متن خوانده شود. به علت کمبود وقت، رومیان ۷: ۱۴ - ۲۵ را خودتان بعداً بخوانید.

(T) قدم دوم. کشف کنید

بایاید به کشف و بررسی برخی از حقایق مهمی که در رومیان ۷: ۱۴ - ۲۵ وجود دارد بپردازیم. "در این قسمت برای شما چه حقیقت مهمی وجود دارد؟" یا "چه حقیقتی در این قسمت ذهن یا قلبتان را لمس می‌کند؟" در این باره تفکر کنید و پاسخ خود را در دفترتان، یادداشت نمایید. پس از چند دقیقه، آموخته‌های خود را به نوبت با یکدیگر در میان بگذارید.

(S) در رومیان ۷: ۱۴ - ۲۵ حقیقت مهمی برای من وجود دارد. کاری که شریعت قادر به انجام آن نیست. اگرچه شریعت، مقدس، عادلانه و نیکوست، اما قادر نیست مسیحیان را مقدس، عادل و نیکو بسازد. اول. مسیحیان در طبیعت بشری خود دارای دو بعد می‌باشند. بعد اول، جسم نام دارد (۷: ۱۸)، و عبارت است از طبیعت گناه‌آلود فرد مسیحی که طبیعتی است ناقص، ضعیف و گذرا. و اما بعد دیگر، باطن یا ذهن نامیده می‌شود (۷: ۲۲ و ۲۵)، و عبارت است از طبیعت دارای تولد تازه، که از درون به توسط روح القدس، و از بیرون توسط شریعت یا احکام اخلاقی خدا کنترل می‌شود. رومیان ۷: ۱۴ - ۲۵ به توصیف نبردی می‌پردازد که بین طبیعت گناه‌آلود فرد مسیحی که او از آدم به ارث برده، و طبیعت دارای تولد تازه او که از مسیح یافته است (۵: ۱۷-۱۹) در جریان است. هم طبیعت گناه‌آلود فرد مسیحی و هم طبیعت دارای تولد تازه او، در جان (روح) و بدن فرد مسیحی ساکن هستند.

دوم. در رومیان ۷: ۱۴-۱۵ پولس می‌گوید که شریعت قادر نیست مسیحیان را مقدس بسازد. این امر نه به سبب ماهیت شریعت اخلاقی، بلکه به سبب طبیعت گناه‌آلودی است که هنوز در مسیحیان سکونت دارد. شریعت دارای ذات یا ماهیتی روحانی است، زیرا نمایانگر ذات و اراده خدای مقدس، عادل و نیکوست (۷: ۱۲). اما طبیعت گناه‌آلود مسیحیان، غیرروحانی است. به عبارت دیگر، طبیعت گناه‌آلود آنها نمی‌تواند و نمی‌خواهد خود را مطیع خدا و مطیع اراده مقدس، عادلانه و نیکوی خدا سازد. برخلاف غیرمسیحیان که داوطلبانه خود را بند طبیعت گناه‌آلود خود می‌سازند (۶: ۱۶)، مسیحیان بطور ناخواسته و غیرداوطلبانه به طبیعت گناه‌آلود خود فروخته می‌شوند (۷: ۱۴). مسیحیان خود را داوطلبانه بنده گناه نمی‌سازند، ولی طبیعت گناه‌آلود آنها درست مانند یک برده است، یعنی مانند کسی است که فروخته شده و آنچه می‌کند لزوماً مطابق میل باطنی او نیست (۷: ۱۴). مسیحیان اغلب می‌خواهند اعمال نیکو انجام دهند، اما طبیعت گناه‌آلود آنها چنان با قدرت برضدشان عمل می‌کند که بجای نیکی، بدی از آنها سر می‌زند (۷: ۱۵).

سوم. هدف روحانی و اخلاقی پولس، رسیدن به کاملیت است. (فیلیپیان ۳: ۱۲-۱۴، متی ۵: ۴۸، عبرانیان ۱۲: ۱۴). اما در پایان هر روز، وقتی پولس به ارزیابی زندگی خود می‌پردازد، متوجه می‌شود که به هیچ وجه مطابق معیار کاملیت خدا رفتار نکرده است، و از اعمال پلیدی که انجام داده بیزار می‌شود. پولس متوجه می‌شود که هدف یا آرمانی که دارد بالاتر و متعال‌تر از آن است که او خودش توان دست‌یافتن به آن را داشته باشد.

چهارم. در رومیان ۷: ۱۶-۲۰ پولس به چند نتیجه بسیار مهم می‌رسد. او به این نتیجه می‌رسد که گرچه مسیحیان از موارد سرپیچی خود از شریعت اخلاقی خدا متفردند، اما کماکان قبول دارند که شریعت اخلاقی خدا نیکوست (۷: ۱۶). پولس چنین نتیجه می‌گیرد که اعمال گناه‌آلودی که مسیحیان مرتکب می‌شوند، دیگر نمایانگر شخصیت واقعی آنها نیست (۷: ۱۷). درست است که اعمال گناه‌آلود آنها برآستی از خود آنها سر زده است، اما وقتی این اعمال گناه‌آلود با موافقت کامل طبیعت دارای تولد تازه انجام نمی‌شود، دیگر نمایانگر طبیعت کاملاً انسانی مسیحیان یا وضعیت واقعی آنان نیست. پولس چنین نتیجه می‌گیرد که اعمال گناه‌آلودی که اغلب از مسیحیان سر می‌زند، تنها مؤید این واقعیت است که در طبیعت گناه‌آلود آنها هیچ چیز نیکوی روحانی یا اخلاقی یا سودمند وجود ندارد (۷: ۱۸-۲۰). اگرچه شریعت اخلاقی حکم می‌کند که مسیحیان باید چه کاری انجام دهند و طبیعت دارای تولد تازه مسیحیان مشتاق است احکام شریعت اخلاقی را انجام دهد، اما شریعت اخلاقی بخودی خود به

هیچ وجه قادر به نابود ساختن طبیعت گناه‌آلود مسیحیان نیست. وقتی خدا دستور می‌دهد که فلان عمل بد را نباید انجام داد، این حکم اخلاقی خدا بطور خودکار میل به ارتکاب آن عمل بد را در مسیحیان از بین نمی‌برد.

نتیجه: شریعت اخلاقی یا ده فرمان قادر نیستند به مسیحیان در نبرد بین طبیعت گناه‌آلود آنها با طبیعت دارای تولد تازه شان کمک کنند. شریعت اخلاقی به هیچ وجه قادر نیست فرد مسیحی را مقدس، عادل یا نیکو بسازد.

(T) در رومیان ۷: ۲۱-۲۵ حقیقت مهمی برای من وجود دارد. کاری که شریعت قادر به انجام آن نیست. اگرچه مسیحیان در شریعت اخلاقی خدا مسرورند و شادی می‌کنند، تنها فیض خداست که می‌تواند آنها را از سلطه مطلق طبیعت گناه‌آلودشان آزاد سازد.

اول: نیردی که مسیحیان با آن مواجه‌اند، بین طبیعت گناه‌آلود آنهاست، که از آدم به ارث برده‌اند، و طبیعت دارای تولد تازه آنها که از مسیح به آنها رسیده است. در رومیان ۷: ۲۱-۲۵ پولس آخرین نتیجه‌گیری خود را بیان می‌دارد. مسیحیان از طریق طبیعت دارای تولد تازه خود (یعنی از طریق ذهن یا باطنشان) پیوسته در شریعت اخلاقی خدا شادی می‌کنند (۷: ۲۲). اما مسیحیان بزودی درمی‌یابند و با این واقعیت دردناک مواجه می‌شوند که طبیعت گناه‌آلود و فاسد آنها پیوسته با طبیعت دارای تولد تازه‌شان در جنگ است و آنها را اسیر و بنده خود می‌سازد. این طبیعت گناه‌آلود نه تنها با فرد مسیحی در ستیز است، بلکه حتی گاه بر او پیروز نیز می‌شود (۷: ۲۳). طبیعت گناه‌آلود، جان و بدن مسیحیان را اسیر خود می‌سازد و آنان را تحت سیطره قدرت و نفوذ مخرب خود درمی‌آورد. قدرت این طبیعت گناه‌آلود چنان عظیم است که مسیحیان به هیچ وجه نمی‌توانند تنها با تلاش و کوشش خود یا به کمک نیروی اراده خود در برابر آن مقاومت کنند (۷: ۱۵ و ۲۳). البته مسیحیان داوطلبانه و عمدتاً بنده طبیعت گناه‌آلودشان نمی‌شوند، بلکه این بندگی بصورت ناخواسته و غیرارادی است و در واقع آنان بطرز رقت‌انگیز قربانی این طبیعت می‌گردند. مسیحیان مادام که هنوز در بدن‌های جسمانی فعلی خود زندگی می‌کنند، کماکان بطور ناخواسته بنده طبیعت گناه‌آلود خود باقی می‌مانند. مسیحیان مادام که هنوز در بدن‌های جسمانی کنونی خود زندگی می‌کنند، طبیعت گناه‌آلودشان کماکان حضور خواهد داشت و کنترل روح‌القدس هیچگاه در آنها بطور کامل و مطلق نخواهد بود.

بدن جسمانی فعلی مسیحیان، “پیکر موت” نامیده می‌شود (۷: ۲۴)، زیرا این بدن‌های جسمانی هنوز عرصه تاخت و تاز طبیعت گناه‌آلود آنان است و مرگ روحانی و سرانجام مرگ جسمانی را باعث می‌شود.

دوم: شریعت اخلاقی بخودی خود تنها باعث می‌شود که مسیحیان از وضعیت رقت‌انگیز و فاسدی که در آن بسر می‌برند آگاه‌تر شوند. شریعت، مسیحیان را وامی‌دارد که در نبرد خود با طبیعت گناه‌آلودشان، پیروزی را در تنها منشاء آن، یعنی در عیسی مسیح جستجو کنند (۷: ۲۵). تنها عیسی مسیح است که بطور قطع به نجات مسیحیان خواهد شتافت و آنان را از “پیکر موت” رهایی خواهد داد (۷: ۲۴). تنها اوست که چنین قدرتی دارد. عیسی مسیح طبیعت قدیمی و تولد تازه نیافته مسیحیان را یکبار برای همیشه بر صلیب مصلوب کرده است (۶: ۶). او مسیحیان را یکبار و برای همیشه از گناه آزاد نموده است و آنان اکنون بنده عدالت (۶: ۱۸)، و بنده خدا شده‌اند (۶: ۲۲). اما عیسی مسیح آماده است تا بارها و بارها مجدداً وارد عمل شده، مسیحیان را از اعمال نیرومند طبیعت گناه‌آلودشان رهایی بخشد. و او به‌هنگام بازگشت خود، مسیحیان را قطعاً، بطور کامل و برای همیشه از طبیعت گناه‌آلودشان آزاد خواهد ساخت (۷: ۲۴).

نتیجه: نبرد مسیحیان بین طبیعت گناه‌آلود آنهاست که از آدم به ارث برده‌اند، و طبیعت دارای تولد تازه آنها که از مسیح یافته‌اند. طبیعت گناه‌آلود فرد مسیحی قدرتی است که فرد مسیحی بخودی خود نمی‌تواند خود را از چنگال آن آزاد سازد. فرد مسیحی به‌کرّات همچون برده‌ای طبیعت گناه‌آلود خود را بندگی می‌کند. اما طبیعت دارای تولد تازه فرد مسیحی نیز قدرتی عظیم است، زیرا روح‌القدس در آن ساکن است. بنابراین فرد مسیحی به دفعات شریعت اخلاقی خدا را نیز بندگی می‌کند و از آن پیروی می‌نماید. البته پولس حاضر نیست به این وضعیت دوگانه تن در دهد و بدان راضی باشد. او کاملاً مطمئن است که عیسی مسیح او را از چنین وضعیتی آزاد خواهد کرد. بنابراین او مسئول است که به قدرت روح‌القدس با طبیعت گناه‌آلود خود جنگیده، اعمال گناه‌آلود آن را بکشد (۸: ۱۳، غلاطیان ۵: ۱۶-۲۶).

(S) قدم سوم. سنوال

بیا بید سعی کنیم تمام حقایق موجود در رومیان ۷: ۱۴-۲۵ را درک نموده، درمورد مسائلی که هنوز نمی‌فهمیم سؤال کنیم. “می‌خواهید درمورد این قسمت از گروه چه سئوالاتی بپرسید؟” فکر کنید و سئوالات خود را در دفترتان یادداشت نمایید. سپس به بررسی سئوالات بپردازید و سعی کنید برای آنها جواب بیابید.

سؤال اول. (۷: ۱۴-۲۶) کدام مرحله از تجربیات شخصی پولس در این آیات به تصویر کشیده می‌شود؟ آیا تجربه‌ای که از آن صحبت می‌شود، تجربه فردی تولد تازه یافته است یا فردی تولد تازه نیافته؟

(T) برخی می‌گویند که رومیان ۷: ۱۴-۲۶ را نمی‌توان تجربه یک ایماندار دارای تولد تازه دانست. این عده چنین استدلال می‌کنند که پولس می‌گوید: “من انسانی نفسانی‌ام” (۷: ۱۴)، و اینکه بین فصل هفت رومیان از یک سو و فصل‌های ۶ و ۸ رومیان از سوی دیگر، تفاوت وجود دارد. اما واقعیت این است که پولس در رومیان ۷: ۱۴-۲۶ برآستی تجربه یک ایماندار دارای تولد تازه را توصیف می‌کند.

اول: پولس درمورد خودش واقع‌بینانه و با فروتنی سخن می‌گوید. پولس با اینکه ایماندار تولد تازه یافته است، مادام که هنوز بطور کامل از طبیعت گناه‌آلود خود آزاد نشده، خود را “بدترین گنه‌کاران” (اول تیموتاوس ۱: ۱۵) و “انسانی نگون‌بخت” (۷: ۲۴) می‌خواند. چنین آزادی کاملی تنها زمانی تحقق می‌یابد که او عیسی مسیح را رو در رو ببیند (اول یوحنا ۳: ۱-۳).

دوم. رومیان ۷: ۱۴-۲۶ به احتمال بسیار قوی‌تر توصیف‌کننده وضعیت یک ایماندار است تا یک بی‌ایمان. بعید بنظر می‌رسد که فردی بی‌ایمان بگوید: “من می‌پذیرم که شریعت نیکوست” (۷: ۱۶ و ۲۲)، “من گناه را تأیید نمی‌کنم، بلکه از گناه متنفرم و از گناهان خود عمیقاً پشیمان هستم.” (۷: ۱۵ و ۱۹ و ۲۴)، و یا اینکه “من می‌خواهم آنچه را که نیکوست انجام دهم” (۷: ۱۸ و ۱۹ و ۲۱، این آیات را از ترجمه هزاره نو خواندیم). همچنین بعید است که فردی تولدتازه نیافته، بخواد مانند پولس از طریق عیسی مسیح خدا را سپاس گوید (۷: ۲۵). کاملاً روشن است که پولس در رومیان ۷: ۱۴-۲۵، ضعف عظیم مسیحیان را توصیف می‌کند. مسیحیان برای مقدس شدن به قدرت خارجی نیاز دارند که در مقایسه با طبیعت گناه‌آلود درونشان بس عظیم‌تر باشد. در واقع آنان به خود عیسی مسیح و روح‌القدس او نیاز دارند.

سوم. بین رومیان ۷: ۱۴-۲۶ و رومیان ۷: ۵ و ۹ (قسمت اول آیه) تفاوت زیادی وجود دارد. پولس وقتی هنوز تولد تازه پیدا نکرده بود، در جسم، یا در طبیعت گناه‌آلود خود زندگی می‌کرد و برای مرگ ثمر می‌آورد (۷: ۵). او هنگامی که جدا از شریعت زندگی می‌کرد، به شریعت خدا چندان اهمیتی نمی‌داد و شریعت نیز امیال گناه‌آلود را در طبیعت گناه‌آلود او برنمی‌انگیخت. پولس در آن حالت، زندگی بی‌خیال و بی‌دغدغه‌ای داشت و خود را فرد نیک و عادل می‌پنداشت. از مجازات گناه توسط خدا نیز هراسی نداشت (۷: ۹). رومیان ۷: ۵ و ۹، وضعیت فردی را توصیف می‌کند که تولد تازه ندارد. اما رومیان ۷: ۱۳-۷ به احتمال بسیار زیاد توصیف‌کننده تجربه‌ای است که پولس درست قبل از توبه، در حین توبه و کوتاه زمانی پس از توبه داشت. تغییر زمان افعال از گذشته به حال در آیات ۱۴ تا ۲۵، نمایانگر تغییر و تحول اساسی است از وضعیتی تولدتازه نیافته به وضعیت کسی که دارای تولدتازه است. پولس در رومیان ۷: ۱۴-۲۶، به توصیف ضعف و ناتوانی و نیز نبرد و پیکاری می‌پردازد که ایمانداران مادام که هنوز بر روی این زمین در بدن‌های فانی خود زیست می‌کنند با آن مواجه‌اند.

چهارم. بین رومیان ۷: ۱۴-۲۶ و رومیان ۶: ۱۸ و ۲۲ هیچ تضادی وجود ندارد. ایماندار دارای تولدتازه در عین حال هم یک گنهکار است و هم یک قدیس. از یک طرف، ایماندار دارای تولدتازه هنوز “به گناه فروخته شده است” (۷: ۱۴). به عبارت دیگر، طبیعت گناه‌آلود او هنوز در زندگی وی دارای چنان قدرتی است که فرد مسیحی نمی‌تواند هنوز از هر لحاظ زندگی کاملاً بی‌گناهی داشته باشد (اول یوحنا ۱: ۱۰۸-، ۲: ۱-۲). طبیعت فاسد یا گناه‌آلود او هنوز در زندگی فرد ایماندار نیرویی است که می‌خواهد او را بنده خود سازد و تحت کنترل داشته باشد (۷: ۲۱ و ۲۳ و ۲۵). این طبیعت گناه‌آلود به دفعات حمله می‌کند و با روح‌القدسی که در وجود فرد ایماندار ساکن است مقاومت ورزیده، می‌کوشد فرد ایماندار را دوباره به زندگی کهنه‌ای که در گذشته داشت بازگرداند (۷: ۲۳). این طبیعت گناه‌آلود اغلب فرد ایماندار را اسیر خود می‌سازد (۷: ۲۳). طبیعت گناه‌آلود چنان قدرتمند است که فرد ایماندار قادر نیست تنها با تلاش و کوشش یا به نیروی اراده خود در برابر آن مقاومت ورزد. البته پولس نمی‌گوید که طبیعت گناه‌آلود همیشه پیروز خواهد شد، بلکه صرفاً می‌گوید که طبیعت فاسد و گناه‌آلود انسان نیرویی است که فرد ایماندار نمی‌تواند خود را از آن رها سازد، و این نیرو اغلب بر او پیروز می‌شود، هرچند خود فرد ایماندار نمی‌خواهد که طبیعت گناه‌آلودش پیروز شود. و اما از سوی دیگر، ایماندار دارای تولدتازه یکبار برای همیشه نسبت به گناه مرده است (۶: ۲)، برای همیشه از گناه آزاد شده است (۶: ۷)، برای همیشه از بندگی و اسارت گناه رها شده (۶: ۱۸ و ۲۲)، و برای همیشه بنده عدالت (۶: ۱۸) و بنده خدا (۶: ۲۲) شده است. به او حکم شده است که همواره خود را نسبت به گناه مرده و نسبت به خدا زنده بینگارد (۶: ۱۱)، و هیچگاه اجازه ندهد که گناه افسار زندگی او را در دست بگیرد و در وجود او فرمان براند (۶: ۱۲). همچنین به او حکم شده که هیچگاه اعضای بدن خود را تسلیم گناه نکند تا ابزار شرارت باشند (۶: ۱۳)، بلکه اعضای بدن خود را برای همیشه به خدا بسپارد تا ابزار عدالت و پارسایی باشند (۶: ۱۳) و آنها را بنده عدالت سازد که به قدوسیت می‌انجامد (۶: ۱۹). قدرت و سلطه طبیعت گناه‌آلود فرد ایماندار در هم کوبیده شده است. فرد ایماندار گرچه بارها و بارها در گناه می‌افتد (رومیان ۷: ۱۴-۲۶)، اما نمی‌تواند و نمی‌خواهد پیوسته در گناه زندگی کند و چنین نیز نخواهد کرد (رومیان ۶). شیطان، دنیای شریک و خدانشناس، و نیز طبیعت گناه‌آلود فرد ایماندار هیچ یک قادر نیستند مانع از آن شوند که او اعمال عدالت را بجا آورد و در قدوسیت رشد کند (۶: ۱۳ و ۱۷ و ۱۹).

سؤال دوم. (۷: ۱۴). فرق بین “نفسانی بودن” و “غیرروحانی بودن” چیست؟

(S) **اول.** تمام غیرمسیحیان “نفسانی” هستند و در جسم بسر می‌برند. کسی که به مسیح ایمان ندارد تنها دارای یک طبیعت است که همان طبیعت گناه‌آلود یا فاسد است و او را تحت نفوذ و سیطره خود دارد. چنین کسی روح‌القدس را در درون خود ندارد (۸: ۷-۱۰). فرد غیرمسیحی گرچه می‌تواند داوطلبانه بنده طبیعت گناه‌آلود خود باشد (۶: ۱۶)، اما نمی‌تواند داوطلبانه تصمیم بگیرد که از طبیعت گناه‌آلود خودش آزاد شود. او بی‌اختیار اعضای بدنش را تسلیم گناه می‌سازد تا ابزار بی‌عدالتی و ناپاکی قرار گیرند. او تسلیم خدا و اراده خدا نمی‌شود، و حتی نمی‌تواند چنین کند. فرد غیرمسیحی به هیچ وجه نمی‌تواند خدا را خشنود سازد. بنابراین “نفسانی بودن به معنای برخوردار نبودن از تولدتازه است.

دوم. تمام مسیحیان تنها در یک جنبه از طبیعت انسانی‌شان “غیرروحانی” هستند. مسیحیان دارای دو طبیعت هستند: یکی طبیعت گناه‌آلود و دیگری طبیعت دارای تولدتازه. طبیعت گناه‌آلود فرد مسیحی، غیرروحانی و جسمانی خوانده می‌شود و بویژه در آندسته مسیحیانی نمایان است که هنوز از لحاظ روحانی بالغ نشده‌اند (اول قرن‌تیان ۳: ۱ و ۳). و اما طبیعت دارای تولدتازه فرد مسیحی، “ذهن” یا باطن او نیز نامیده می‌شود (۷: ۲۳) و معرف او بعنوان کسی است که ذهن یا طرز تفکر عیسی مسیح را دارد (اول قرن‌تیان ۲: ۱۶). روح‌القدس در وجود چنین کسی زندگی می‌کند و با طبیعت گناه‌آلود او در ستیز است (غلاطیان ۵: ۱۷). طبیعت تولدتازه یافته فرد مسیحی، همان عدالت و قدوسیتی است که وی در عیسی مسیح از آن بهره‌مند می‌گردد (۵: ۱۸، ۶: ۴-۸، اول قرن‌تیان ۱: ۳۰). این طبیعت، همانا واقعیت روح‌القدس است که در فرد ایماندار ساکن است (مزمور ۵۱: ۱۰-۱۱).

طبیعت گناه‌آلود فرد مسیحی اغلب او را وامی‌دارد کارهایی را انجام دهد که از آنها بیزار است، و از انجام کارهایی که دوست دارد غفلت ورزد. فرد مسیحی می‌داند که در طبیعت گناه‌آلود او هیچ چیز نیکو یا مفیدی وجود ندارد (۷: ۱۸). بدین ترتیب می‌بینیم که “غیرروحانی یا جسمانی” بودن به این معنا نیست که شخص تولدتازه را ندارد. هر فرد مسیحی از زمانی که تولد تازه می‌یابد تا آن هنگام که سرانجام به جلال ابدی می‌رسد، پیوسته در کشاکش نبردی است مابین طبیعت گناه‌آلود و طبیعت دارای تولدتازه‌اش. به تعبیری می‌توان گفت که فرد مسیحی در این دنیا پیوسته درگیر جنگ داخلی است (غلاطیان ۵: ۱۶-۱۸). خود این واقعیت که مسیحیان چنین کشمکشی را بین طبیعت گناه‌آلود و طبیعت دارای تولدتازیشان تجربه می‌کنند، گواه آن است که برآستی از نو مولود شده‌اند. سؤال سوم. (۷: ۱۴). فرق بین “بنده گناه بودن” و “به گناه فروخته شدن” چیست؟

(T) **اول.** بنده گناه بودن در دورانی که شخص هنوز تولدتازه نیافته است. رومیان ۶: ۶ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۹ چنین تعلیم می‌دهد که همه مردم تا قبل از آنکه تولد تازه پیدا کنند، اسیر و برده گناه هستند و گناه را بندگی می‌کنند. آنان همچون کسانی رفتار می‌نمایند که داوطلبانه خود را به‌عنوان برده به گناهی که در طبیعت گناه‌آلودشان ساکن است فروخته‌اند. نشانه این وضعیت نیز این است که چنین افرادی مادام که هنوز تولد تازه نیافته‌اند، از خواسته‌های طبیعت گناه‌آلودشان تبعیت می‌کنند و اعضای بدن خود را تسلیم ناپاکی و شرارت می‌سازند. اینگونه افراد از آنجا که دارای تولد تازه نیستند، نمی‌خواهند و نمی‌توانند خود را از قدرت و سلطه طبیعت گناه‌آلودشان آزاد سازند. آنان نمی‌خواهند و نمی‌توانند خود را تسلیم خدا و اراده او سازند. اینگونه افراد به هیچ وجه نمی‌توانند خدا را خشنود سازند (۸: ۷-۸). بدین ترتیب، “برده یا بنده گناه بودن” یعنی برخوردار نبودن از تولد تازه.

دوم. فروخته شدن به گناه در دورانی که شخص دارای تولدتازه است. وقتی کسی به مسیح ایمان می‌آورد و تولد تازه پیدا می‌کند، یکبار و برای همیشه از وضعیت بندگی گناه که در بالا به آن اشاره شد آزاد می‌شود و بنده خدا می‌گردد (۶: ۱۸ و ۲۲). وضعیت بندگی گناه که رومیان ۶: ۶ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۹ در مورد آن صحبت می‌کند، دیگر بازمی‌گردد. رومیان ۷: ۱۴ در زبان یونانی می‌گوید که پولس “به گناه فروخته شده است”، نه اینکه “او بعنوان برده به گناه فروخته شده است.” وضعیت بردگی گناه دیگر در مورد ایمانداران دارای تولدتازه صدق نمی‌کند، و آنان را دیگر نمی‌توان بنده گناه نامید.

غلاطیان ۵: ۱۷ چنین تعلیم می‌دهد که بین طبیعت گناه‌آلود و روح‌القدس کشمکشی دائمی وجود دارد، و از این رو مسیحیان آنچه را که واقعاً خواهان انجام آنند، انجام نمی‌دهند. به همین ترتیب، رومیان ۷: ۱۴ نیز تعلیم می‌دهد که فرد ایماندار “به گناه فروخته شده است” (۷: ۱۴) یا “اسیر طبیعت گناه‌آلودی است که در اعضای بدن او در کار است” (۷: ۲۳). بنابراین فرد ایماندار بطور ناخواسته زیر سلطه نیرویی قرار دارد که با اراده خود او بیگانه است، و وی قادر نیست خود را از اسارت آن برهاند. فرد ایماندار قبول دارد که طبیعت گناه‌آلود وی هنوز واقعیتی است حاضر، و هنوز با قدرت بر او اعمال نفوذ می‌کند. فرد ایماندار بطور ناخواسته تحت اسارت اعمال طبیعت گناه‌آلود خود قرار دارد. نشانه این حالت نیز این است که وی بارها و بارها دست به انجام کارهایی می‌زند که نمی‌خواهد (۷: ۱۵)، و اغلب از انجام آنچه نیکوست عاجز است (۷: ۱۸). بدین ترتیب، همانطور که در غلاطیان ۵: ۱۷ نیز می‌خوانیم، فرد ایماندار در اعضای بدن کنونی خود کشمکش روحانی و اخلاقی شدیدی را تجربه می‌کند که طی آن، خواسته‌های طبیعت گناه‌آلود وی با خواسته‌های روح‌القدس که در او ساکن است مقاومت می‌ورزد (۷: ۲۳).

اما هم غلاطیان ۵: ۲۲-۲۵ و هم رومیان ۸: ۱۲-۱۴ تعلیم می‌دهند که فرد ایماندار از طریق روح‌القدس که در او ساکن است، دیگر مجبور نیست برحسب طبیعت گناه‌آلود زیست کند، بلکه می‌تواند ثمره طبیعت گناه‌آلود را بکشد. فرد ایماندار می‌تواند از طریق روح‌القدس که در او ساکن است پیوسته با طبیعت گناه‌آلود خود مقاومت ورزد، و در عوض، آنچه را که واقعاً خواهان انجام آن است انجام دهد، که در واقع همان چیزی است که خدا از او انتظار دارد. اما از آنجا که طبیعت گناه‌آلود نیز در او وجود دارد، اغلب نمی‌تواند در برابر تأثیر پلید و ویرانگر طبیعت گناه‌آلود خود مقاومت کند و آنچه را که واقعاً خواهان انجام آن است بجا آورد. اگرچه فرد ایماندار از لحاظ روحانی و اخلاقی تولدتازه یافته است و تحت نفوذ روح‌القدس قرار دارد، اما هنوز از لحاظ روحانی و اخلاقی زیر نفوذ طبیعت گناه‌آلود خود نیز هست. فرد ایماندار مادام که هنوز در این بدن فعلی خود زندگی می‌کند، طبیعت گناه‌آلود وی نیز حضور خواهد داشت و کنترل روح‌القدس هیچگاه در وجود او بطور کامل نخواهد بود.

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول. در یک مشارکت خانگی که در آن بررسی کتاب مقدس انجام می‌شود شرکت کنید. از روش “پنج قدم” بررسی کتاب مقدس استفاده کرده و خود را برای بررسی رومیان فصل ۸ آیات ۱ تا ۱۷، آماده کنید.
دوم. کتابهای دست‌نویس عمل “بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید” را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم
سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه “دوره شاگردسازی از رادیو” گوش دهید.